

قوانین مربوط به اجاره

قانون مدنی

← ~~قانون~~ قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶

قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۷۶

سال دهم سال ۱۳۶۵

ماده ۲۰ به صورتی بخوانی قانون را در ریزی
بی از اثبات در دارگاه باطل

(به اولین اجاره نگاه کنید)

قانون مدنی

شماره ۱۳۷۶۷ - شماره ۱۶

شماره قانون ۵۶

۱۳۵۶



شماره قانون ۵۶

قانون ۵۶ - نقطة مکان تجاری - جای که کار با راه ۱ قانون تجارت در آن انجام شود.

مکان تجاری نیست
شماره قانون ۵۶
نیست

دفتر دین
صلب دین
غریبه دین
بابا دین ساری

ماده واحده سال ۹۸

پانصد و سی
+

لے اجاره

بدون پس پرداخت و رقبای

در اندک زمان
صدت

باید مستاجر
کلیه کنند.

شاہجہادی پیدائش

بہرورد زمان

درمان ۵۶

حق باریدہ

↓
بہ علم خانوں

۷ مورد کلیه پیش بینی شده ۵۶

① ② شجر بر نمی آید
معاذ لکرمال اجابه بها از صویر بگرد

۲ مورد انتفاء مدت + چاقی تمام ص کب و د

① کجیدینا (اعداد ساختمان جدید) به شرط { در این صفت
شروع به صفت نکرد } (به کدوم از کدوم دارا)

① صلاحت لکرمال
استثانه نکرد

② به دستور کب خود مالک

③ مورد اجاره مناسب معنی هم است باین صورت خود مالک میفرزند

③ مورد تخلیه نسل از انشاء است ممکن است + بدون پرداخت حق
کتاب درج

① نقدی و نثری در عین ساجه

② تفسیر نفل به نفعی در عرفا صاحبان به بدن و صاحب مدرج

③ عدم پرداخت ساجه بها
موجب کارود دفترخانه
سند اجاره تنظیم شده
دفترخانه زندگینامه

اطلاعی در مورد ساجه بها باز هم ندارد - حق کلیه یا بر صورت

فقط یک بار خان بهادر

آرشیو قبل از صدر حکم ملی

دارگا، حکم ملی نمی دسد

اجزاء بار صوره

+ ضار

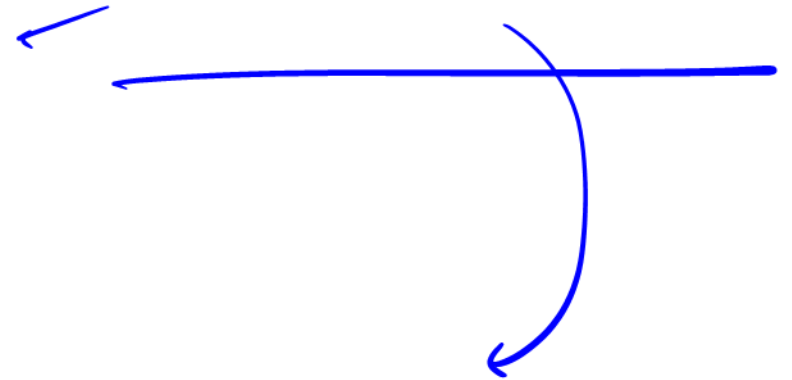
+

۲٪

۱- بررد آخر

نکته قبل از انتقال عکس است + صفت من کجاست

انتقال به غیر (محلاً هم عید الذاریه)



نقدی رکنزبط در سن ساجره

قانون ۵۴

↓

صمیم حق نسخ و کلیه

قانون مدنی

اصل منع

منع مژر شود حق نسخ

۷۶

اصل قانون
مدنی

تَفْرِیغِ مَدَن رِشایَت

قانون ۵۶

عَرَضاً مَسْأَلَه ی تَوَانَد

قانون مدنی

سُئِلَ عَنْ أَزْوَاجِ ضَرَر

کَمَرِ یَسَارِی

بِسُورَتِ تَانَد

۱۶

سُئِلَ عَنْ قَانُونِ مَدَنی

انتقال به غیر

مادون ۵۲

امراً من ندارد
در عندلجاء این من بار داده
تسا از سر اذن بدن
کجور انتقال مانع نه بودارگاه

۱۹ ماده

مادون مدنی

۷۲

سُجراً مراً من انتقال به غیر (اجابه مجدر)
دارد منع منع شده با برتر

و اندازی (مدون مناسط طریقت منابل)
انتقال جایگاه برادرگاه
امکان پذیر نیست

قانون سرب مدنی

①

هری

عبدال

یا

دستبري امطاطی

تصص

ضاری وارد کند



سرب پیران سارک

درمانون مدی

مثل یا قمت

↓ مثل صدم است.

درمانون شری مدی

— هر چه دادگاه رستی گیرند.

✓ ماخذ

اگر سرپرست (مانوی یا خرد داد) در نگهداری تقصیر نکند

بله ایست سرپرست مسئول بران ضارت

بله درم سرپرست است طاعت ندانست

لا ازال معری یا کبرن

قاعده حین زمان باید بدو اتمام شود بران ضارت
باعت نکستی چنان شده زمان شود

اگر سرپرست در نگهداری تقصیر نکند

لا ازال معری یا کبرن

بران ضارت کی شود

ضارت دارد
از نام معری یا کبرن

هوصری

شماره ۱۱

کارستان در تالیف و تالیفات راست
در سه عمده عمر و دین

ارضیات انجام و طبعه
صاری برتند - فردستان
مستل و ان
منارک
صفا کوخانه

ارضیات مستند به عمل کارمند شود

عنوان سازمان

ارگان

به خاطر نقص وسائل ←

اصل : هر كس ضارت زرد بايد چنان ضارت كند

① اعمال حاكِمِي

+

② صِبْ ضَرَّت

+

③ پَرِي تَاسِي سَانَعِ اصْجَاعِي

+

④ طَلَبِي تَاوُن

استثناء

يا جمع ضارط

دولت مملکت پر دافعت

ضارت نيست

کارهایان سمول مانون کار

لے فرض نقص

سٹول صارت دارد از نافع کارنان

صنای انجام و ملین
بنایان

تمام امتیاط امای به ارضاع و اصول نصیه ایجاب پس مکروه خلک اکثر
مستجاب کنند

تمام امتیاط مایه خور را انجام می دارد باز هم صارت دارد
هستند

ماہ ۱۴

فدائے ناعروہ مذہبِ اسلامی

رکائزِ ایمان کا پرنسپل مانتوں کا

اشخاص ماہ ۱۲

فدائے

اے اگر مجھ سے صاف رہی ہو رہی ہوں تو

تفاسی درپیر زمانِ رہ

میانِ خدا و انسان

ہے یا خود بہرہ کرمِ خدا

صحتِ کذبِ سنائی ہوئی

درمان ۵۲

اُراجیه با تَمین نَسَد

هر چه توانی بردن بده

هر چه ممکن است

بدرسم دادگاه

قانون بیمه اجباری / لحدت ناشی از ضرورت رانندگی وسایل نقلیه در شهر

بیمه گذار / دارنده / مالک یا مستفید / کسب تکلیف دارد بیمه تکمیل کنند.

بیمه گر - شرکت طار بیمه

حق بیمه

موضوع بیمه -

غیر
دیہ حرد مسلمان درگاه
+
ہزینه معالجہ

مار ۲۰۱۷ ← درجہ اولیٰ رانندہ سب عارتہ

ضارت بدنی

ہر شخص عارتہ رانندہ سب عارتہ

مار ۲۰۱۷ درجہ اولیٰ رانندہ سب عارتہ
دیہ حرد مسلمان درگاه حرام

مالی - صد اکل ۲/۵۰ ضارت بدنی

ماده ۱۰ ← کثرت بیم به نور علی ندارد

بیم رطل است تا فقرات

جنیت

برداشت کند

لے ضارت زبان دیده را بدین لحاظ

دین

حاصل قضای سلف اندر راضد در خصوص مازاد بیم ضرورت

ماده ۱۱

درج خود شرط که
برای کمتر
بگذار
از زبان دیده

شرط تعلیق تعهدات به شرط

فقط شرط بطل
بطل و بلا اثر
مبطل به نفع
نیست

اضافه نمودن مناسک از زبان دیده
ممنوع و بلا اثر

در خصوص زبان دیگران داخل دولت علیه می باشد

تسهیلات برای طرفین

ازاد زرا سال
دین

برای طرفین
اصانه شود

از پیشتر بودند
بعلیه میان زبان دیگران تسهیل می شود
بیت

تسهیلات
تسهیلات

ماده ۱۲۱ قانون اساسی ضایع است

بدین است براننده می باشد طرح می کنند

در حصص زبان دیگران خارج از بدنه تفرقه

ست فقرات بدنی X ۱۰

بول به میان زبان دیگران به نسبت سهمی شود

صاف را صندوق تأسیسات بدنی در حد

↓ نمی تواند به راننده مابین شروع کند.

طرح ۱۵ - زبان دیده حالت است.

۱. در موارد زیر بجهت تکلیف است بدین شرح شرط یا اذعان صحت
زبان دیده را بدیده بعدی تراند به راسته سب طارم رجوع کند

۱) اثبات محمد راسته

۲) استعمال سواد کند در راندن شرایط الهی متر در وضع طارم

۳) راسته گواهی نامه مناسب ندارد

راسته دلیله نقلیه را بر مکتوب

۴) از سرور به یون آن آگاه است

زُباں صد دیر: بحرِ کدلیں بہ ریاضتِ صفت بہ

راستہ سبِ حارۂ ماند لوائِ شاہِ نادر

زُباں دیر ہے غورِ راستہ سبِ حارۂ

ماده ۱۷ ✓ نه بجزی رسد نه صندوق تأمین

① ضارت دارد به وسیله نقلیه مسیب حادثه و کمالات آن

② ضارت ناشی از نقصانات انمی در اردو السیر

③ اجابت محمدزبان رسیده در اراد صد سه صد
فدائی
سوقاضین

④ اجابت هر نوع ضعه و سیانی

صندوق تأمین ضایعات بین - هزار عمومی غرضی

- ① انتفاء، بطلان، فقدان بیم نام - صندوق تأمین ی دسد بعد مکتف است
مراکنده سبب حادثه مرجع کنند
- ② درستی یا نعلی بیم نامه - صندوق ی دسد بعد مکتف است
بابت ^{تفاوت} در میان آن رجوع کنند
- ③ درستی سبب حادثه کفایت - صندوق ی دسد - اگر بیم دارد به بیمگر
بعد از تأمین کفایت کند - اگر بیم ندارد راننده به
سبب حد

مانون گلاب از خانواده

دارگاہ خانوادہ ہے در صورت فضای کثرستان

کُشی - از اہر تہست بنا بہ شخہی رُشی نوہ صفاہ

دارگاہ خانوادہ { اصل نکاح / ازدلال نکاح } دارگاہ کُشی ہے { بے دعا در صلاست / دارگاہ خانوادہ }
نزدیکترین
دارگاہ خانوادہ

دارگاه خانواده

رئی یا دادی علی السبیل

+

← باید ظرف ۲ روز نظر سوری
ضد اعلام کنند

قاضی مبارزین

قاضی مبارزه را باید در ۲۴ ساعت نظر قاضی مبارزین اشاره کنند
و اگر مدافع نیست باید در ۲۴ ساعت رد کنند.

مادہ ۴ قانون گاسک از خانواده

اورجٹ دارم نہ

مارہ ۱۲ صلاحت کلی

۱۔ ارضیاں زوج باشند۔ جامع این دادی مدنی۔ امرًا کل انات
فزانده

۲۔ ارضیاں زوج باشند
حل انات زوج
یا
کل سکت زوج
یا
۳۔ ارضیہ مسئول۔ حل دفع عقد

۴۔ ارضیہ غیر مسئول۔ دارگاہ خانوادہ کل دفع مال غیر مسئول

در دعوات الزمات این استیاز را به زن نمی رسم



اشباع طلبان در قانون حمایت از خانواده
→ ارضتقاضی طلبان نُوهر است → کُخواهی عدم امکان سازش

طلبان نُوافتی → کُخواهی عدم امکان سازش
→ اعمال دکات در طلبان → کُخواهی عدم امکان سازش
→ ارضتقاضی طلبان، زرد و بلست
→ طلبان سر و جری → حکم طلبان

موضوع عدم امکان سازش - حکمت اعتبار

۳ ماه از تاریخ ابداع حکم صوابی

پایان حکمت کبیر نقل صوابی

حکم طلاق - حکمت اعتبار ۶ ماه

از تاریخ ابداع آیینی یا پایان حکمت فرجام صوابی

ماه ۱۹ تانن و الجهره شام ۵۴

تجربہ انتہال منع نرسو دارگا

محکمات اعتبار ۹۱۵۵

صحا بید استدرسی

ترطلان - راجا، در حال می تواند صادر کنند

متقاضی طلاق حردی است

صوق مالی زرم پرداخت شود

ترضا زرم

لج طلاق منوط به

صدور حکم قطعی از شعبه
تقسیم اموال

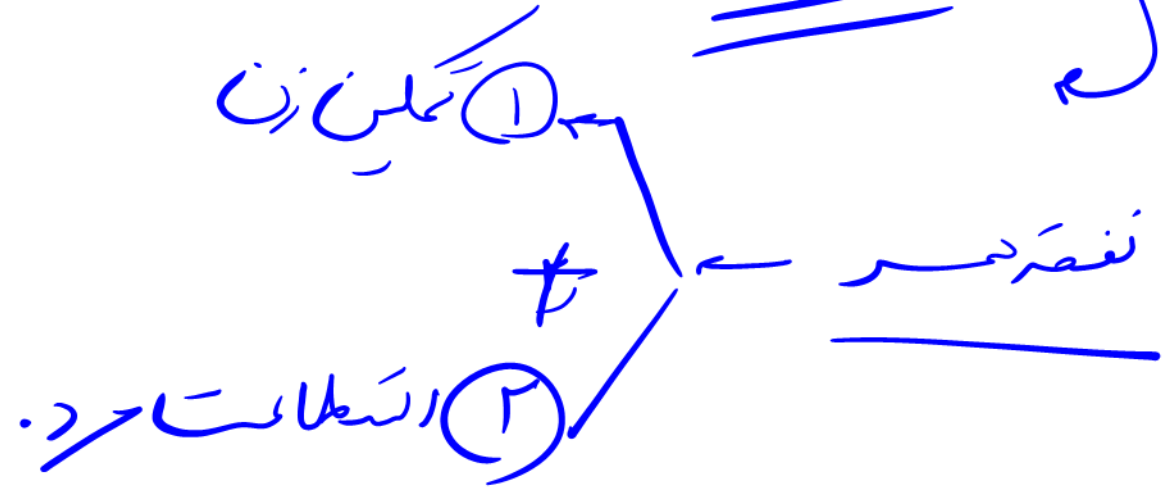
تا. اسدہ دھارل ان ہے سحرل ماہ مانرن کوہ اچار کلر سہ لار
سالی

سحر

سحرل ماہ مانرن سحرل
سحرل از. اسدہ دھارل ان
سحرل زوج لاک است

حکم جرم جرد

مادہ ۵۲ ← حکم رپ اتناقی



نقصہ سارا شخص رپ النفقہ ← استطاعت جرد

کبھی سے زنی بہ بر صیغہ زن مجاز بہ عدم نگہیں است ← انگار نگہیں جردہ
بہم ترک اتناقی کی کہ شود

ازدواج

دستر زیر ۱۴ سال نسبی

نسب زیر ۱۵ سال

ازن دی

+

صلوات

+

اجازه دارگا.

بدون کسریات

مجموع

حرکت بجم حر.

از درج تبعہ خارجی بارت ایرانی

اجازت دولت (موردی)

بدون اجازت دولت از درج لند

کے جس کے نزدیک درجہ ۵
برابر

نیت
(نیت نکاح دائم، طلاق موقت، رجوع از طلاق)

(الزامی)

والا ← حرد کلام +

واقعہ الزام بر نیت

سُؤْلِ کِسْرِي

در کمال صوت

↓
بسیار کمال صوت اختیار

کوانتی طرح

شرط ضمن عدد

باردار شدن زود

طرح

سازاری

شماره شده در قانون اساسی

ماه ۹

تصویبات جامع اقلیت عام مذهبی

در احوال تصفیه

از جمله نکات و مطالب

در اداری

معتبر و بدون رعایت شریعت در دادگاه

تفصیل و اجرا را

بہ صلاح

کے کوافی عدم عمل لازم است۔

مگر زود پس در حصری باردار بدن زود

مواضی دانستہ، پس

۱۳۹۴

قانون نحوه اجراء مکتوبات مالي

دادن

مکتوب به پرداخت مالي دستور

① هرس به علم دادگاه

①

اموال مکتوب علیه به جز مستثنائات ديني، توقيف اموال دين

تعلقاً مکتوب له به اعدا اجرا

ماره ۲

۶ اگر حکم به، از احوال حکم علی استنباط شد

به نتایج حکم به
حکم علی بازداشت

یا حکم اجرا

یا ضمانت حکم به

تا ؟

حکم درگاه دینی
کافی

یا حکم دین اعمال

ابدان اجاره

رینه

سو
ار کلم علی

لیت ابدال

(ملین مار)

+

ظرف شاه

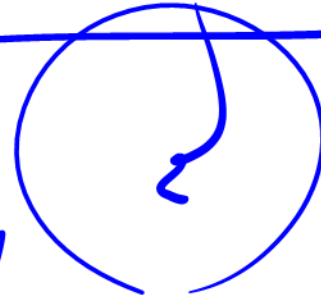
دعوا اعار بدید
دارد زلت

آرد اعار (طلم طلم)

مغلا بازداشت نمی شود

استرداد دعوا اعار

آزیدہ ازیدہ ماہی کار راکش (دارضات اعجاز)



دادگاہی برانند نسل یا وسیعہ - محلاً آزاد سوار

یا
رضایت مکمل

کنیل یا رُبیہ تذر حالت

لے دعوار اعسار رد سند

ہے ظلت . آمد از ابداع داعی

مکرم علیہ را ببادر
والا

اگر نیارد ہے یہ دستور دارگا، صادر شدہ اجازت ہے

جہ الفالہ یا ربیعہ ضبط کا شور

جمع اعراضی سداگا، کدیر نظر لسان

ماه ۹ معسر به دلی ندائی احوال، قادر بر یافت کردن

نیست

عدم دسترسی به احوال - در حلیم ندائی مال

انبات عدم دسترسی با مردون

ماده ✓

آوردن سبب، نشان دهنده ملاقات

یا

مردین در ازار دین عرضی رسد

مختلف عومنی را ایجاب کند

اصل بر ملاقات

بار ایجابات اعمار

بر روی مدعی اعمار

در حالی که مدیران در ازار دین عرضی نکرده

و

و عیب‌هایی نشان دهنده اعمال

سلالت باشد.

اصل بر اعمال

مدیران سونندگی‌کرد

مری اعصار سے کلوننگ آپ لند
ہے ہر طور پر خواہد

اگر دلی اعصار نہادست کھنڈر باہد

باید انتہائی لپی + اسامہ اعصار پر باہد

صفحہ دافذات اعمار

صدرت احوال + معاملات یک لفظ لفظہ (از) طرح دعداد

اعمار

وَأَرْكَبُكُمْ بِنَهْطِنَا

حَمْدُكَ عَلَى

حَمْدُكَ لَمْ

لَا تَنَاقُضُ نَهْطِنَا -

لَا تَنَاقُضُ نَهْطِنَا (تَفْهِيمُ مَعْنَى)

دعوتِ اعمار

↓

سے بدی سے گدیر نظر

فالح از نوپ

غریبی

↓

قابلِ گدیر نظر — غریبِ زجام

از کلام به

اعمار

از پرداخت هزینه دار پس

صدیق اسرار
نما فراموش

از صدی به

✓
در انشا رسیدی

نیل از صد علم
صلی

ساله ۱۸

اعمال از

کتاب

اشخاص مسوری

به نسی و ندریم

باید دعا در سلسله مطهر لند

اور علم علیٰ صورتِ احوال اعلیٰ فرماتے ہیں
یا بعداً علم سُورِ راتِیا طعیرنہ

سب صبیغہ کا ہے ✓

بہانا محکمہ

۱۹۵۶

ایڈ

اسلام گاہ

صدر

صدر

حاجہ بانگی

فہرست الکر
نقل و انتال کر کے

بہار ۱۹

ہ بہ نائیں خواستہ ہم مری کا اندر

عالم به قصد فرار از دین

۶۱۵۶

سایر ابدال برای ریاضت دین گمانی نباشد

علم خلوص قطعی

عقالات صریح - باطل

تفصیل کار یا برداشت
دین گمان
ح

عقالات

عقالات بجای وقت به جمع بدین

از منتقل الیه، آگاه باشند از قصد فرستنده

عقالات راستی عمومی

مال را به عنوان جریمه از لواحق و از علل آن

له تف سده یا انتقال بهر - مل ساحت رایج
طلبکاران استغفار طلب گشت

لے تمام حکومت مار چالی

کنٹرل قانون

دیں، ضرورت زبان نائی از ہم

وزارتی اصلاحی

بہ جی جی رائے

بہت اعلیٰ کلاس

ایک

L

اعمال شخصی

اعمالی

مالِ کلوم علی

خزائده

میت کارشناسی
شرکت تشنه نیامد

شرکت تشنه نیامد

رشدات تشنه دوباره خزائده

کلوم له

میت کارشناسی

خزائده بر دارد

مکلوم له

اگر سال غیر مستعمل بود

یعنی تا ۲ ماه بعد نمی‌زنیم

دین ۳ هفته سال اجرا

~~گلم علی~~

۷۷ قانون اجراء احكام مدينى

كللى صادر شده

كلمه
الف

كلمه
عنه

كلمه
به

عن حسن



در تعقيب

مدرج ادعاى طرح كردن راجع به مالكيت ^{عن} امضه

و دليلي ارائه شده

جرم مانع انكشافات اجرائي نيست

دادورز یک هفته محکمی است

۱- در دارگاه صالح آنانه دعوی کنند

مدارش محله فارز وراثت میریا توقف اقرار حکم بیارد.

۲- ارزیان دارد - کلیات ابرای اداره سدا کنند

مال بازرگانی شده

تالت

سند رسمی

یا

طعم قطعی دارگاه

قبل از بازرگانی

{

تأمین اجرا از مال مع توقیف کنند

در این صورت (تالت) اعراض ثالث اجرای صلح کنند

① به دستور زوج سر خود

در منزل خود و کارهای انجام دهنده

② کارها شروعاً بعد از زوج نباشد.

③ کارها عموماً دارای اجرت باشد

④ عدم قصد سریع

اصل بر سریع بودن

با جمع شرایط زوج
می تواند اجرت الحمل
کامل خود را بگیرد

① در ذات به دستگار زود
خزینها را زندگی مستغرق
نه بر عجله زود است پروت کند

② عدم قصد ببرد

اصل به عدم ببرد

~~سر خوردن~~

زود به پول خرج کند

با یک سراسر اماند

مایلان چه صورت کرده

از نود و یک



اول به ضد اداره

بدنه
انگوت آله انجام ندارد
داد ضا است

اثر ضارت

بدل تَصْمِيح و كَلَف اداره

نَعْبَه
در دیران عدالت

هم اقرار از تَصْمِيح و كَلَف

هم
ضارت

اعراض به حکم طبعی حاصع اداری اضتماسی

تسیرن ماه ۱۰۰۰ -

مستقیم که در سبب تجدید نظر دیدن عدالت

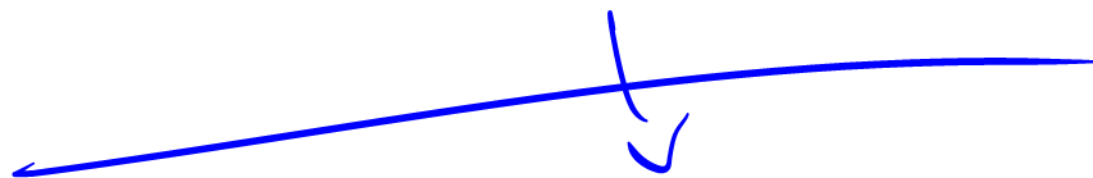
رأی حُت بحری دیران عدالت اداری

که در حقیقت اطلاع یا عدم اطلاع مصدر

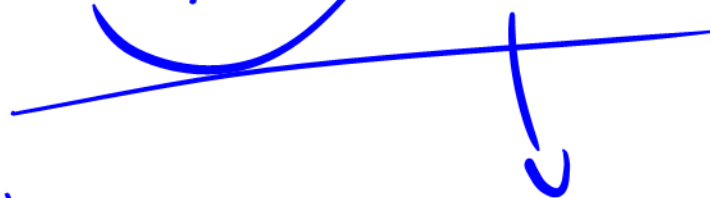
برای همه
حرام اداری که نصای
لازم الاتباع

صلوات شرع

ادعا صلوات شرع بودن طریقی است



سؤال نهان



از زبان مصدب اطفال است



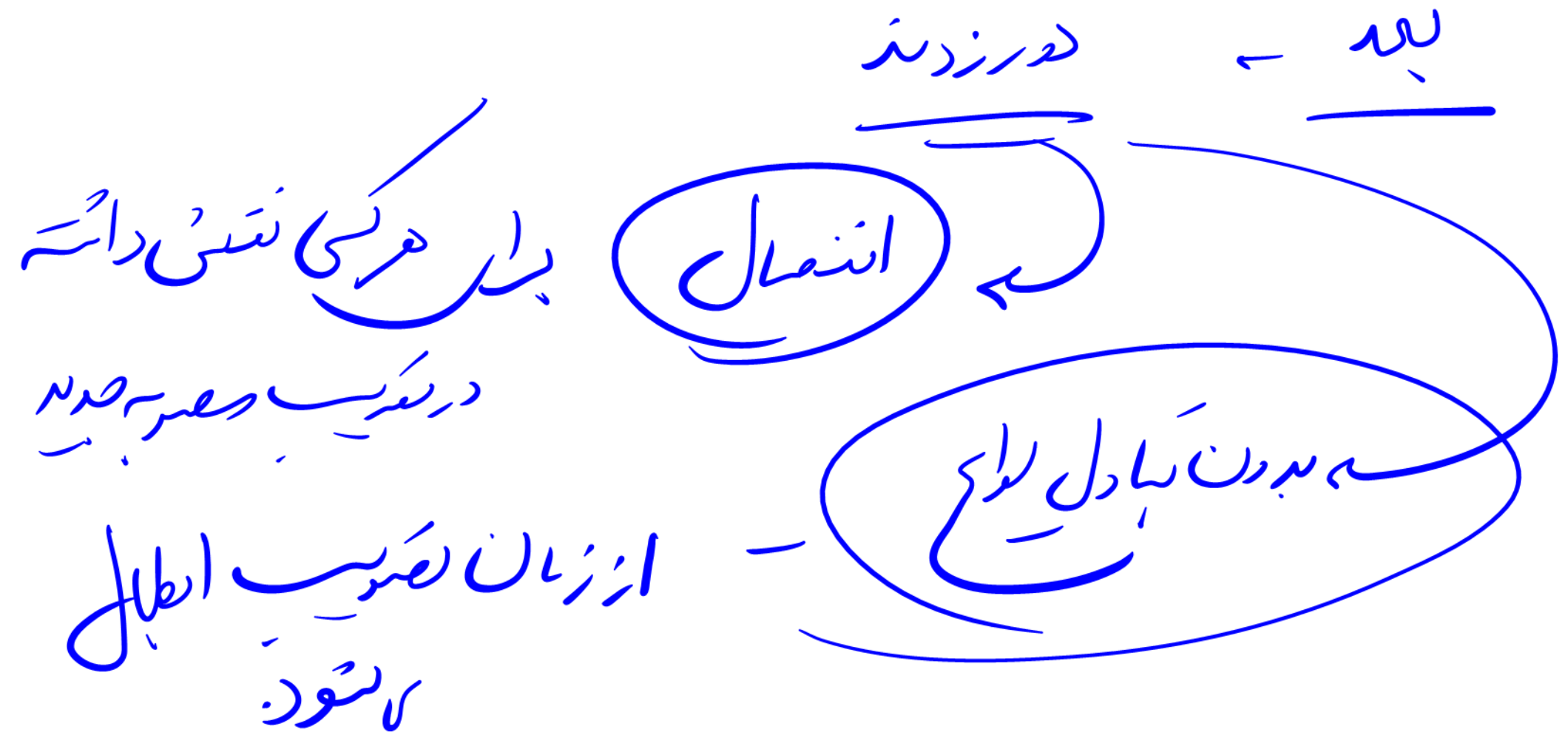
اثر اطلاع مصرف

که اصولاً ارزشان زیر صفت عمری

خداوند شروع

در ارزش عمری مصرف سود ارزشان مصرف
اطفال را سود

سُورِ صَبْرٍ دُرِّ شَمَعِ دُرِّانِ عَدَالَتِ اِطْلَاقِ لُغَتِ



تاریخ صدر ص

کی رہنمائی از خرابی صدا اجرائیہ سکیم

کو ایضاً عدم بروقت کہ گذر صری

رائے پاس

رئیس ها و اصول مد

اجرائیه اداره پست

قطعه علیه صادر کننده
قطعه مبلغ مد

اجرائیه ستم از دارگاه

قطعه علیه صادر کننده

مبلغ مد و حق الوکاله
حکم اجرا

دارگاه ستم دارگاه

علیه صلوات، طلبه نویسی غنائی

مبلغ مد و حق الوکاله ضار



سرء اشر

صادر لئند

مستولك لئند

صادر لئند

ط ۱۹

اگر ملی برکات یا خایندی صادر شود

مادرته + صاحب

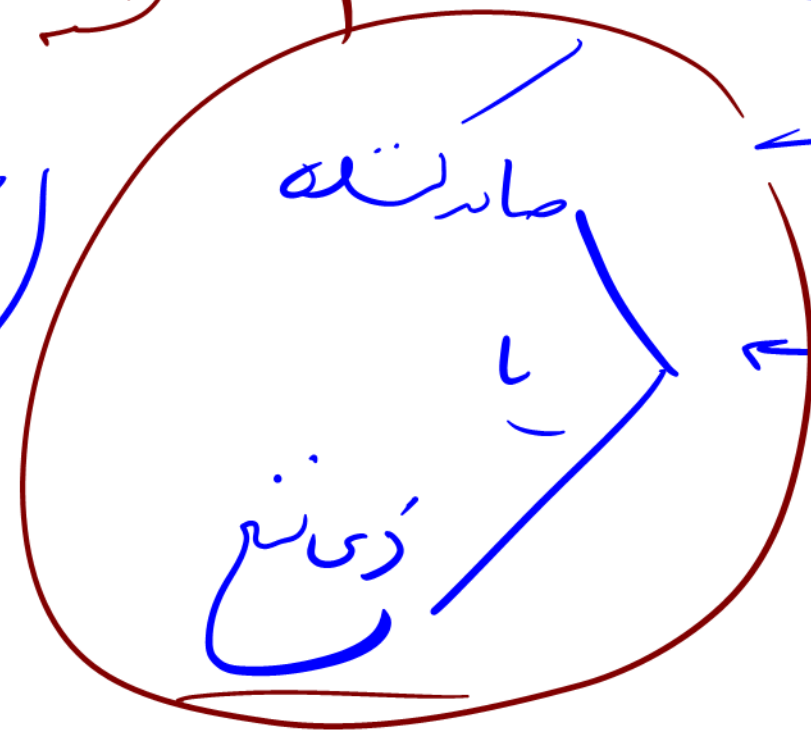
سواران همه
که در عایده تاپ اند

عدم بطلت

سویک نظامی

دستور عدم پرداخت

بعد از اعلام شد دروغ گفته
شبهه - بازات صدور حکم بدو اعل
مکرم لا شود



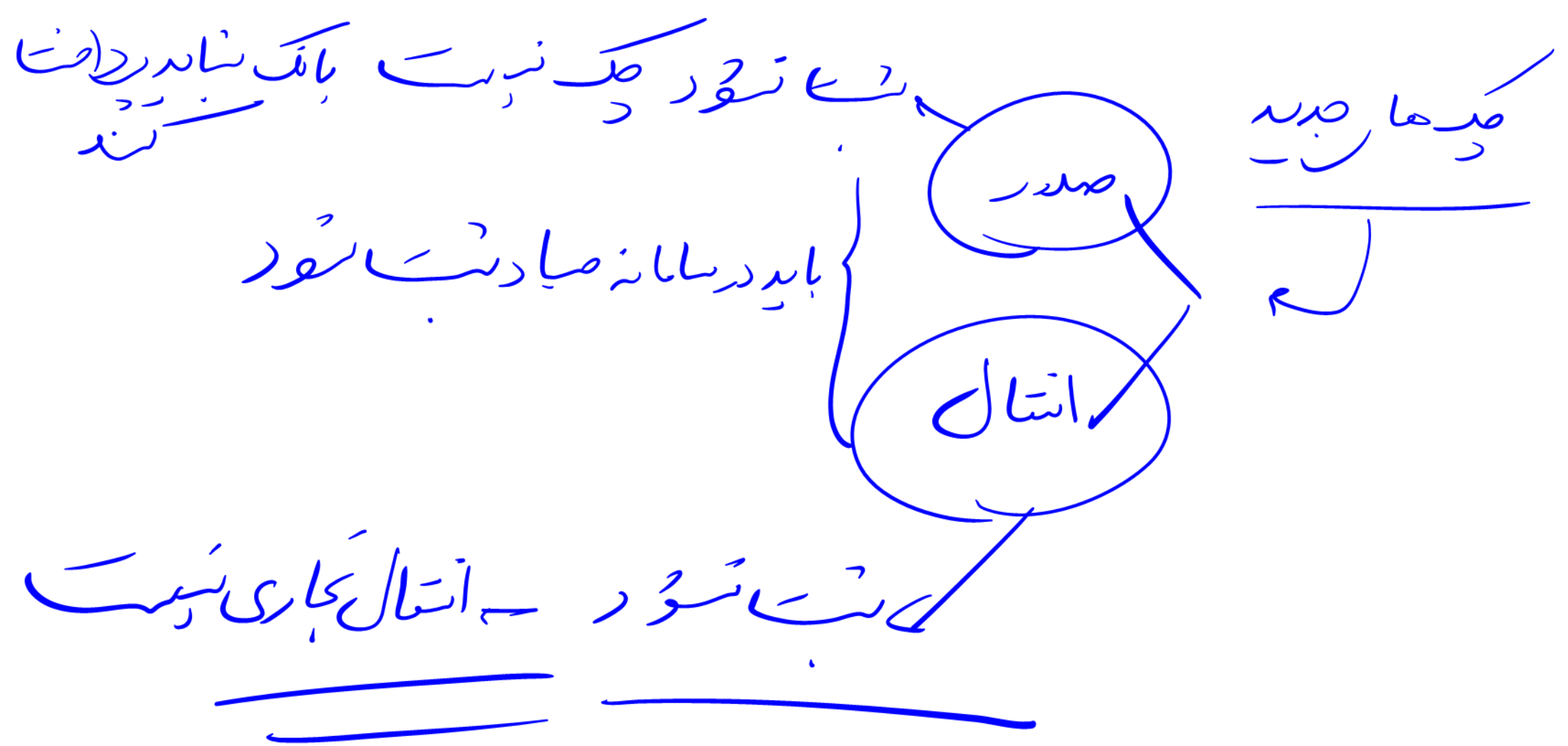
ص به حق مجرای

از بدین خارج شد

سرفه دستور دهنده فرصت دارد - نزد مراجع قضای

اما به دعا کنند

والا باند خود را بچفت باند



افزد دسره حد به بنوده سقلابانه

یکدیم سستل

سستل افزد دسره حد به بنوده سقلابانه

دیم سستل

دارنده مد ملک نیست

۱. آمدن مد

۳. آمدن مد

نادر عم رودت مت به بل بلع صد گیر

ی نر لند

مد را بد مد، بر جدی ص پ را بر ر

ست به پائی مانده، گوارشاه عم رودت

در علم مد

کری

صاحبزاده
صاحبزاده
صاحبزاده

صاحبزاده
صاحبزاده
صاحبزاده

صاحبزاده
صاحبزاده

مانند متعلقات

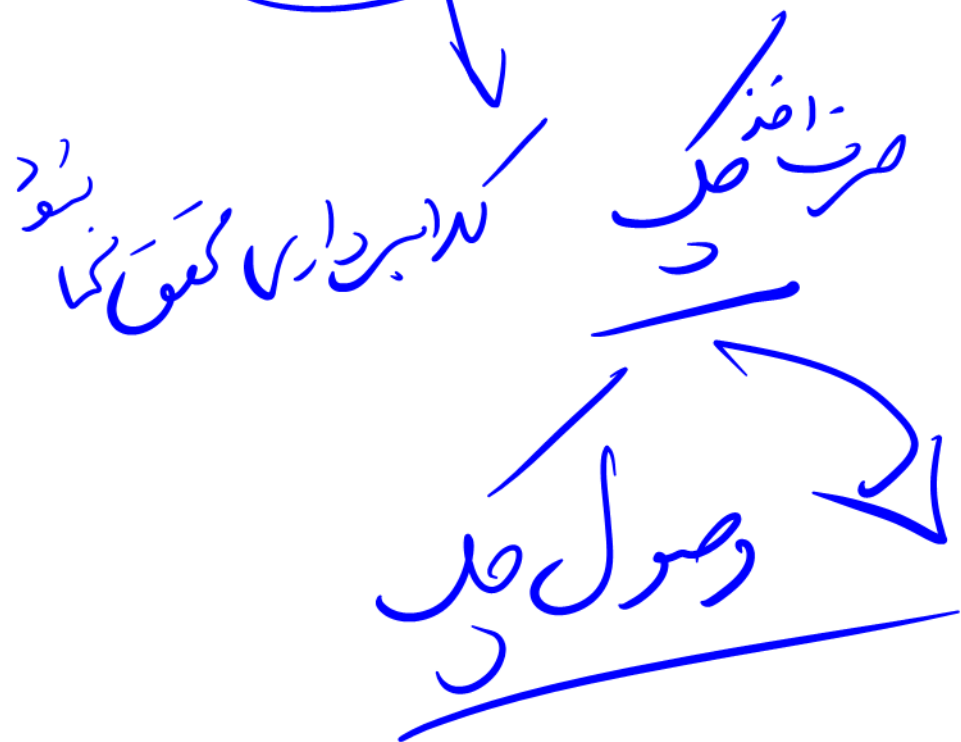
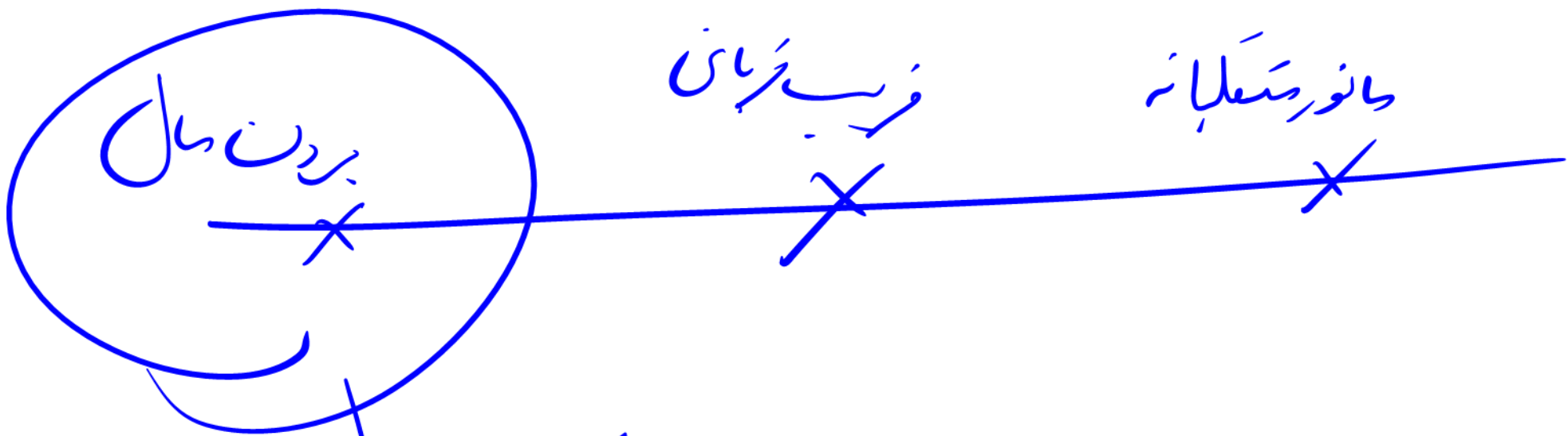
استغناء از سند محمول

نقدرداری نیست

در علم نقد و معنی

کدام برداری

جعل



لازم است کلاسبردار یا شخص سررد نظر ادا منتفع شود

۷۵۱ سال - ردی - جزایر هندو معادل سال کلاسیک در هند

ساره

کتابداری

کتابدار کارمند دولت است.

مستند

استانده از بیانات عامه

تعلق در جامع، رادیو، تلویزیون

۷۵۱.۱۰ سال

ردی

کتابدار

جزایر هند معادل سال کلاسیک در هند

کتابدار، خود را کارمند دولت می‌خوانند

انفصال

قانون مجلسی مجاریات صبیغ نفیری

جرائم قابلِ نشت - صبیغ نفی شدہ

مداخلہ و مدارش دایت

اُمری مجاریات صبیغ

راہگا، پید بہ مداخل را درسد - اُمر کذا صید بہ نشت بہ مدد باید
در دارنامہ دلیل را لکویہ والا

شروع ہجرت

۱۲۷ ۱۲۸ قانونی ہجرت

گھل لال از طریق ناسر

ماژن مسجد

مد و عدد دار

مد مسجد اعظم

مد شرط

مد نصفی

مد یقین ندارد

استال مال غری

سود است

طرف دیگر اظهار نامه

بدست می خریدار

مکتب مال از عالم مطلع شد

گزارات عاریت

بولقوی

کے کرسی کار سب سے عوائد جیسے

لے یہ منظور کئی ٹکے داستان میں منہا

رَئِی

رَئِی

رُوءِ دَمَدَه

لَمْ يَقْطُرْ يَسْتَد

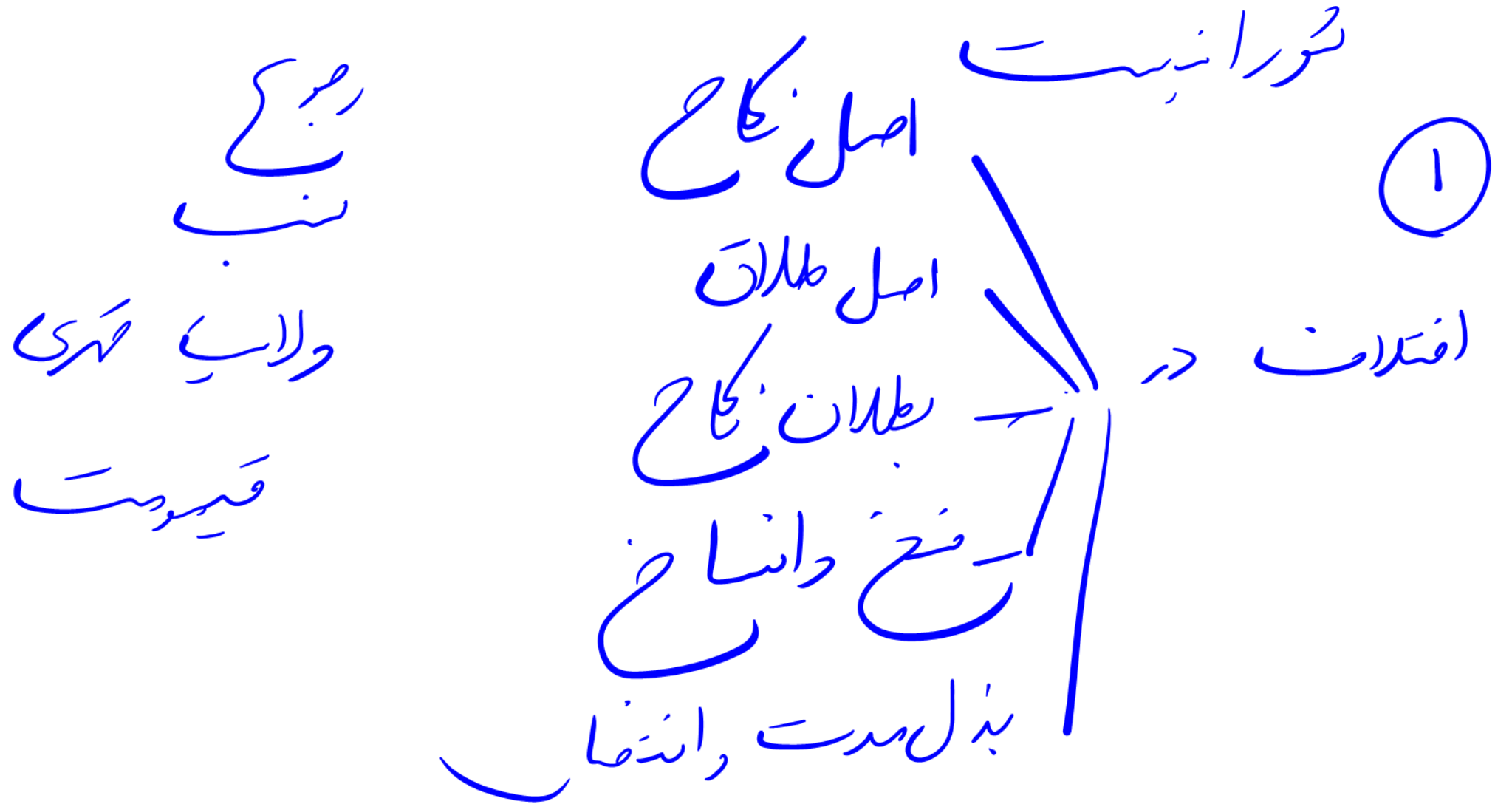
رَئِی بِرَد

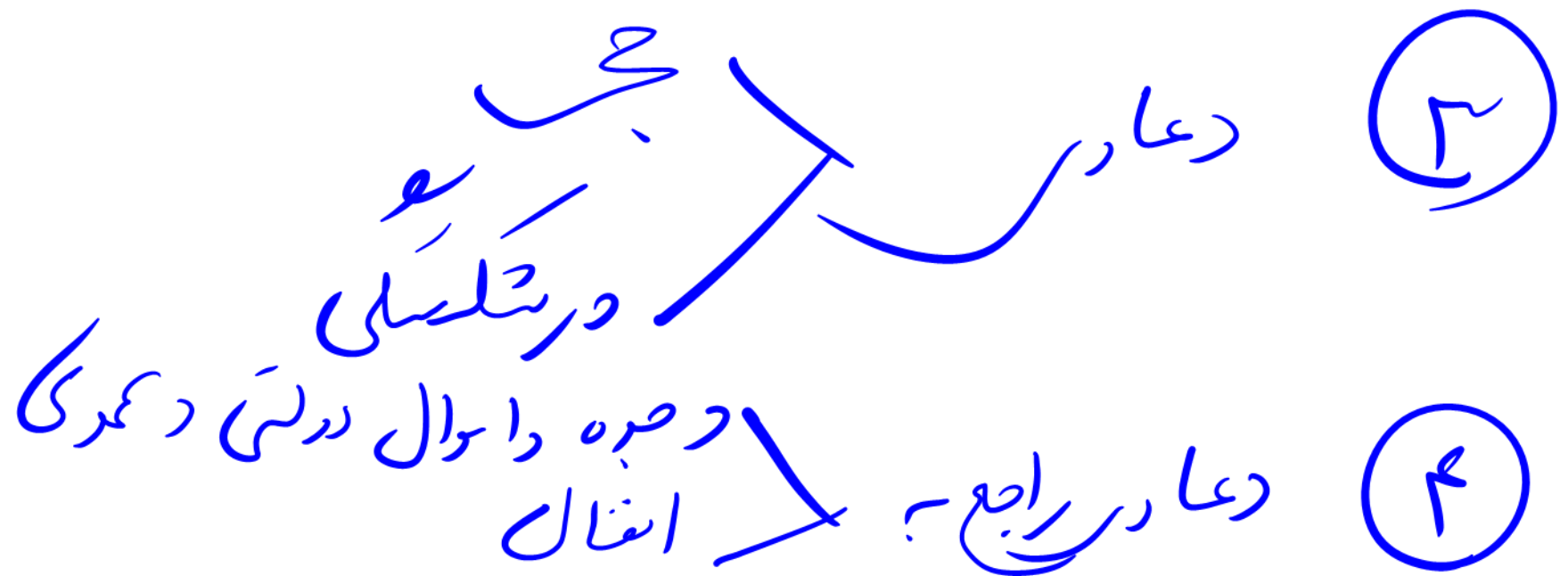
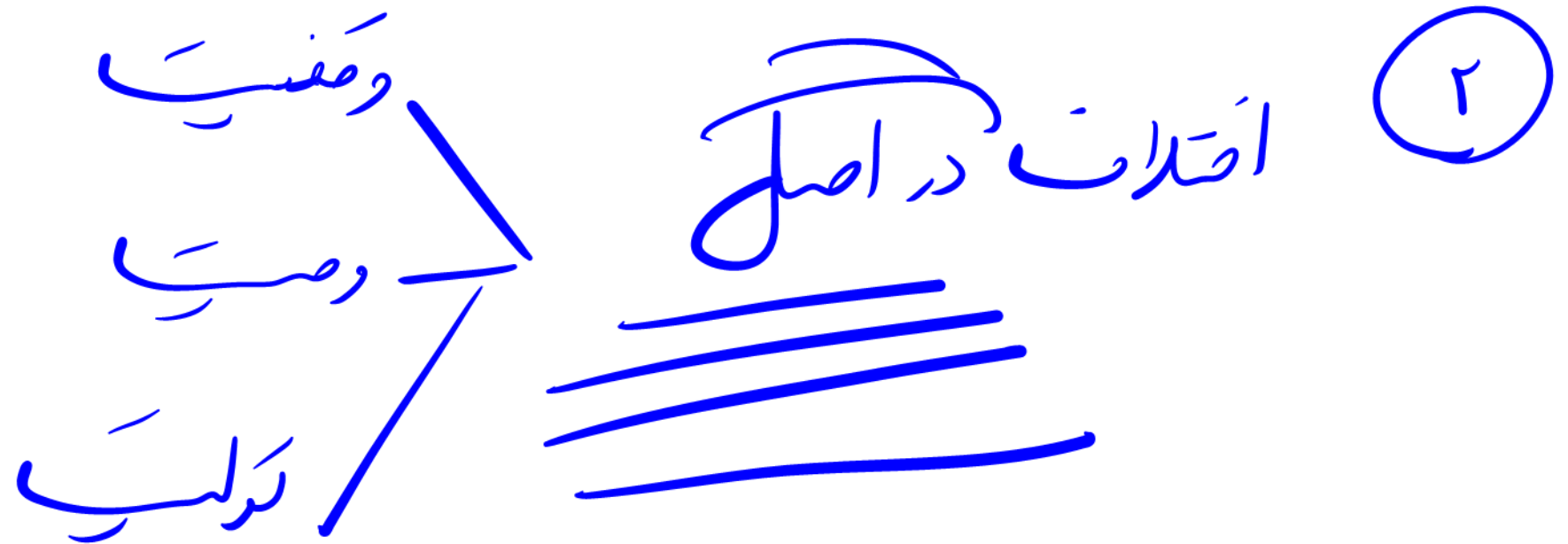
شَكَاتُ لَسَد

از باران آب میسحات

مال هم به رَئِی پس کلام

مادره ۱۱ ← دعاری صی بانترافنی حلزین قابل طرح در





اصل ۱۳۹ قانون اساسی

احوال عمده دولتی

صلح رعاری

اطلاع به داری

نصیب شت درون

اطلاع مجلس

تهدید حور ارشدیان

نصیب مجلس هم نیاز است

دیوار دهم و طرف خارجی

صلواتِ دادگاه صلوات

خداستہ بیسی از نصف

رستی از ۵۰
میلون

① دعا در سال تا ... آمدن نریان

رستی توه قصابیه هر ۳ سال یک بار

نصاب

با کوبه به ناصحی نوسم

انفرد دمد

④ اعمال از برداشت مکرر

که درگاه صالح به دعا
ایلی رسیدگی است

اصل دعا قابل کدیر نظر بود
اعمال از برداشت مکرر به

قابل کدیر نظر

(۶) { حصہ درتہ
گریستہ
ہر دسم ترے

(۷) تھیں دیکھ
نکاح سازشی
دعوت داد کا صلہ

دیه یا ارشی بیستی از بجا دیه کامل

صدقات رانندگی

لکیر برائتم غرضی ناسی

صدقات رانندگی

9) صَبَّ عَمْدِي

خَصْمِي

(جائزات مانندنی درجه ۶ و بالاتر بود قابل کسر نیست)

10) جائتم عَمْدِي درجه ۸

جائزات مانندنی صبی درجه ۸

جائتم غرضی
لاد ۸
غرضی
لاد ۸
راندندگی

در صدقات رانندگی

(۱) اصلاح شناسنامه
استرداد شناسنامه

اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی (غیر از صلاحیت
دیوان عدالت)

الزام به اخذ پایان کار

انجبات رسد

الزام به صدور شناسنامه
کمیسیون دتغیر شناسنامه

نتیجہ اتم در صلاحت دارگا صلح

لے دستِ عیم در دارگا صلح، مددگی ای سُو

دارگا صلح - ریشی یا داری علی البیدل

دارگا صلح - (ساعت بخارا ای در روزگار تظلیل)

اختلاف در صلاحیت

اختلاف صلاحیت دادگاه ها صلاحیت یک استان یا دادگاه صلاحیت
همان استان دادسرا یا دادگاه ها صلاحیت دیگر استان
نکته در نظر است

رای ۲ استان در میان بود که دادگاه به نگهداری نظر استانی نه

آخرین ملاحظه صلاحیت صادر کرده

دارگاه صلح به صلاح راجع غرضهای از ضرورتی صلاح کند

نظر دارگاه کذب و فساد است

لائم الاتباع

امروز قطعی

آراء دارکا. صلح

در دارکا، کدیت نظر است

قابل کدیت نظر

